

## **The Impact of the SCO on Central Asian Security**

Hedayat Ahl Nobar Turkmen <sup>1</sup>  
Mohammad Reza Dehshiri <sup>2</sup>

### **Abstract**

This article seeks to examine the impact of the SCO on Central Asian security. The Shanghai Cooperation Organization was established on April 26, 1996 to resolve security issues and border conflicts between China, Russia, and Central Asian countries (excluding Uzbekistan and Turkmenistan). With the membership of Uzbekistan in SCO in 2001, the level of the organization was upgraded and in the following years it expanded its geographical area with the membership of new member States. Although important changes have taken place in the course of developments related to this regional security cooperation so that economic issues have been raised, this organization has paid basically attention to security and military issues and problems. The main question of the article, which is a descriptive-analytical method compiled with library documents, is what role does the SCO play in reinforcing the securing in Central Asia? The paper examines the impact of the SCO on Central Asia in areas such as the fight against terrorism, the fight against separatism and extremism, the fight against the drug and arms traffic and organized crime, as well as combatting against internal insecurity and instability, especially after the occurrence of color revolutions in some countries, and examines the measures taken against the US influence and unilateralism.

**Keywords:** Regional Security, Central Asia, Shanghai Cooperation Organization, China, Russia.

---

<sup>1</sup> Master of International Relations, South Tehran Azad University. Tehran. Iran

**Hoseintorkaman07@gmail.com**

<sup>2</sup> Professor at the Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran

**Mohammadreza-dehshiri@yahoo.com**

## تأثیر سازمان همکاری شانگهای بر امنیت آسیای مرکزی

هدایت الله نوبر ترکمن<sup>۱</sup>

محمد رضا دهشیری<sup>۲</sup>

### چکیده

این مقاله به دنبال تأثیر سازمان همکاری شانگهای بر امنیت آسیای مرکزی است. سازمان شانگهای در ۲۶ آوریل سال ۱۹۹۶ برای حل و فصل مسائل امنیتی و مرزی میان چین و روسیه و کشورهای آسیای مرکزی (غیر از ازبکستان و ترکمنستان) ایجاد شد. با پیوستن ازبکستان در ۲۰۰۱ به این مجمع، سطح سازمان ارتقا یافت و در سال‌های بعد با عضویت اعضای جدید حوزه جغرافیایی خود را گسترش داده است. هر چند در روند تحولات مربوط به این همکاری امنیتی منطقه‌ای، تغییرات مهمی شکل گرفته و مسائل اقتصادی مطرح شده، ولی اساساً این سازمان به مباحث و مشکلات امنیتی-نظامی توجه داشته است. سؤال اصلی مقاله که به روش توصیفی تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده این است که سازمان همکاری شانگهای چه نقشی در تأمین امنیت آسیای مرکزی ایفا می‌کند؟ مقاله با بررسی تأثیر سازمان همکاری شانگهای بر آسیای مرکزی در مباحثی از قبیل مبارزه با تروریسم، مقابله با جدایی طلبی و افراط گرایی، مبارزه با تجارت مواد مخدر و اسلحه و جنایات سازمان یافته و همچنین ناامنی و بی ثباتی‌های داخلی و به ویژه وقوع انقلاب‌های رنگی در کشورها و نفوذ و یک‌جانبه گرایی آمریکا را مورد واکاوی قرار خواهد داد.

**واژگان کلیدی:** امنیت منطقه‌ای، آسیای مرکزی، شانگهای، چین، روسیه

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه آزاد تهران جنوب. تهران. ایران (نویسنده مسئول)

Hoseintorkaman07@gmail.com

<sup>۲</sup> استاد تمام دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران ایران

## مقدمه

تاریخچه شکل‌گیری سازمان شانگهای به مذاکرات مرزی چین و شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد. در نتیجه توافقنامه‌هایی که طی سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ بین دو کشور منعقد شد، خطوط مرزی چین و روسیه را ترسیم کرد. پس از فروپاشی شوروی قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان در مذاکرات مرزی بین چین و روسیه شرکت کردند و سرانجام در آوریل ۱۹۹۶، پنج کشور مذکور توافقنامه‌ای را تحت عنوان توافقنامه اعتمادسازی در مناطق مرزی به امضا رساندند. از این پس به نام کشورهای عضو شانگهای پنج معروف شدند. در ششمین اجلاس توافقنامه مذکور که در شانگهای منعقد شده بود، پنج کشور مذکور از این پس به نام کشورهای عضو شانگهای پنج معروف شدند در شانگهای، ازبکستان به جمع اعضا پیوست و بدین ترتیب شانگهای پنج به سازمان همکاری شانگهای تغییر نام داد. پیوستن ازبکستان به مجمع شانگهای به‌طور رسمی تأییدکننده این مطلب بود که روند شانگهای از چهارچوب مسائل مرزی چین و شوروی سابق خارج شده و منافع کاملاً متفاوتی ازبکستان را به پنج کشور دیگر نزدیک می‌کند (رستمی و صالحی کرتویچی، ۱۳۹۵: ۶۹-۶۸). رویکرد امنیتی سازمان همکاری شانگهای به‌طور گسترده در آسیای مرکزی متمرکز است چراکه این منطقه بیشترین آسیب‌پذیری را در مقابل تهدیدهای تروریسم و افراط‌گرایی دارد؛ بنابراین، نه تنها در عرصه نظری این مسئله روشن است بلکه بارها در اظهارات دولتمردان منطقه بر ضرورت امنیت‌سازی در منطقه تأکید داشته و عملاً برنامه‌های آموزشی و عملیات ضد تروریستی و نیز سرویس‌های اطلاعاتی طراحی شده است تا دولت‌های آسیای مرکزی را در مقابل تهدیدهای جدید حمایت کند. در بین اعضای سازمان شانگهای این اجماع شکل گرفته که از طریق تقویت ارتباط ضعیف منطقه‌ای باید امنیت منطقه را تقویت کرد. اهمیت همکاری امنیتی چندجانبه در سازمان شانگهای به‌خوبی روشن شده است. در این ارتباط همکاری چندجانبه در روابط امنیتی دولت‌های عضو کمک بزرگی به دولت‌های

کوچک تر در حفظ استقلالشان می‌کند. سؤال اصلی مقاله که به روش توصیفی تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده این است که سازمان همکاری شانگهای چه نقشی در تأمین امنیت آسیای مرکزی ایفا می‌کند؟ فرضیه مقاله این است که سازمان شانگهای می‌تواند امنیت آسیای مرکزی را به‌موجب حضور و سیاست غیرتهاجمی دو قدرت روسیه و چین نسبت به آسیای مرکزی، کاهش نفوذ آمریکا و همچنین توجه به اهداف مشترک امنیتی چون مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و قاچاق به ارتقای امنیت این منطقه منجر شود.

### چارچوب نظری

در تبیین علت‌ها و عوامل توسعه همکاری در میان کشورها، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. یکی از نظریه‌هایی که به این موضوع می‌پردازد، نظریه همگرایی منطقه‌ای است. این فرایند منطقه‌ای بعد از جنگ جهانی دوم ظهور کرد؛ و به نظر می‌رسد که همگرایی از مهم‌ترین سازوکارها و برنامه‌ریزی بین کشورهای یک منطقه جهت رسیدن به اهداف خود در عرصه‌های بین‌المللی است. همگرایی منطقه‌ای را می‌توان فرایندی چندبعدی پنداشت که بر ابعاد اقتصادی، سیاسی، دیپلماسی، امنیتی و فرهنگی دلالت دارد. در مجموع می‌توان گفت همگرایی منطقه‌ای، یک پدیده جهانی از نظام‌های سرزمینی است که روابط بین مؤلفه‌هایشان را افزایش می‌دهند و شکل‌های جدیدی از سازمان‌ها را ایجاد می‌کنند که با شکل‌های سنتی یا سازمان‌های دولتی در سطح ملی همزیستی دارند. به عبارت بهتر همگرایی را باید روندی دانست که بر اساس آن گروه‌ها، سازمان‌ها و کشورهای مختلف به دلیل منافع مشترک با حفظ استقلال داخلی خود دست به تشکیل سازمان یا نهاد جدیدی می‌زنند که فعالیت‌های آن به نفع تمامی اعضا باشد (رفیع، ۱۳۹۱؛ ۸۱-۸۲).

## دلایل تشکیل سازمان شانگهای

تا پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، کشورهای حوزه خزر آسیای مرکزی و تا حدودی قفقاز جنوبی، کم‌تر در کانون - توجه قدرت‌های جهانی قرار داشتند، عمده نگاه‌ها به این منطقه بر پایه نفت و گاز استوار بود؛ اما بعد از ۲۰۰۱، فضای تازه‌ای در حوزه آسیای مرکزی خزر از نقطه نظر تحولات نظامی رخ داد. در واقع از این تاریخ - به بعد ترکیب رقابت‌های ژئوپلیتیک و رقابت‌های نفتی و اقتصادی، شرایط ویژه‌ای در این مناطق به وجود آورده و حضور نیروهای نظامی ایالات متحده و تأسیس پایگاه‌های نظامی در سرزمین‌هایی که حیاط خلوت روسیه به حساب می‌آید، موجبات تحولات سیاسی و امنیتی جدیدی را مهیا ساخت (کریمی پور و حیدری، ۲۰۹:۱۳۸۸). پیمان شانگهای تشکیلاتی امنیتی و اتحادیه‌ای سیاسی است که مانند یکی از پیمان‌های اعتماد ساز در منطقه موجودیت یافت. در تابستان ۲۰۰۱ پیمان شانگهای با هدایت ولادیمیر پوتین و جیانگ زمین، رؤسای سازمان همکاری جمهوری وقت روسیه و چین، ازبکستان را به عضویت پذیرفت و نام پیمان به شکل رسمی تغییر یافت و اعضا هدف خود را تشویق همکاری میان خود و رسیدن به امنیت جمعی در آسیای مرکزی عنوان کردند سال نخست موجودیت پیمان شانگهای صرف حل و فصل درگیری‌های مرزی و مسائل امنیتی منطقه شد. شش کشور بنیان‌گذار پیمان متعهد شدند که به مبارزه بی‌امان با سه نیروی شیطانی تروریسم، افراطی‌گری و جدایی طلبی در منطقه بپردازند. برخی ناظران پیمان شانگهای را فقط یک سازوکار امنیتی نمی‌دانستند بلکه آن را چارچوبی مناسب برای گسترش مناسبات تجاری، توسعه سرمایه‌گذاری و تقویت مناسبات فرهنگی، فنی و زیست‌محیطی میان اعضا ارزیابی می‌کردند (بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹: ۵). این سازمان در سال ۲۰۰۴ مغولستان و یک سال بعد ایران، هند و پاکستان را به عنوان اعضای ناظر پذیرفت. در سال ۲۰۱۸ هند و پاکستان به عنوان اعضای اصلی پذیرفته شدند و در حال حاضر، سازمان ۱۲ عضو شامل ۸ عضو دائم روسیه، چین، قزاقستان،

قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، هند و پاکستان و ۴ عضو ناظر، مغولستان، ایران، افغانستان و روسیه سفید دارد.

اهداف و چشم‌انداز پیش روی سازمان همکاری شانگهای تا حدود زیادی مبهم است. سازمان در ابتدا کم‌تر مورد توجه بود، اما با عملیات نظامی گسترده چین و روسیه در اوت ۲۰۰۵ در شمال چین توجه زیادی را به خود جلب کرد؛ به‌طور کلی در اهمیت سازمان همکاری شانگهای می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد:

- نخست؛ سازمان انعکاسی از افزایش همکاری امنیتی بین روسیه و چین است که از منتقدان اصلی ایالات متحده در نظام بین‌الملل هستند. به‌علاوه، سازمان همکاری شانگهای به دلیل عدم عضویت ایالات متحده در آن اهمیت خاصی دارد زیرا نظم پس از جنگ سرد نظم آمریکایی است و عدم عضویت ایالات متحده در آن سازمان همکاری شانگهای را بی‌نظیر می‌سازد.

- دوم؛ مجاورت جغرافیایی پیمان شانگهای به اروپا، اهمیت ویژه‌ای برای دورنمای امنیتی اروپا دارد؛ زیرا سازمان در حیات خلوت اروپا حضور دارد.

- سوم؛ هند به‌عنوان یک قدرت در حال رشد نیز عضو ناظر سازمان است؛ بنابراین دولت‌های عضو سازمان ظرفیت زیادی برای اصلاح یا تغییر توازن قوا در نظام بین‌الملل دارند.

- چهارم، اهمیت سازمان به لحاظ نظری است. ظهور سازمان می‌تواند تأثیرات مهمی بر مباحث نظری در روابط بین‌الملل درباره آینده نظام تک‌قطبی و راجع به ظهور اشکال جدیدی از موازنه قوا داشته باشد (مرادی، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

به‌هر حال، دلایل تشکیل سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در دو سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بررسی نمود. عواملی نظیر فروپاشی نظام دوقطبی، دورنمای مبهم ساختار جدید بین‌المللی، تلاش آمریکا برای تثبیت نظام تک‌قطبی، گسترش ناتو به شرق، لزوم اتخاذ تصمیمی جهت تدوین قواعد جدید و شکل دادن به نظام

بین‌المللی برای کسب حداکثر منافع در سطح بین‌المللی قرار می‌گیرند و دلایلی همچون جنگ در افغانستان، ناآرامی‌های داخلی تاجیکستان و نگرانی مشترک اعضای سازمان از جنبش‌های رادیکال اسلامی در سرزمین خود و اطراف مرزهایشان در سطح منطقه‌ای جا می‌گیرند.

### انگیزه‌های امنیتی برخی اعضا در سازمان شانگهای

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور وقت روسیه اعلام کرده است که گروه شانگهای پنج یک باشگاه بسته نیست و برای عضویت سایر کشورها باز است؛ پوتین گفته است که ۱۶ کشور دیگر خواستار عضویت در این سازمان هستند (BBC, 2020). در ادامه انگیزه برخی کشورهای حاضر را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### ۱. چین

چین به‌طور مداوم از تلاش‌های آمریکا برای محاصره این کشور از طریق معماری دقیق طراحی‌شده‌ی نیروهای دریایی و پایگاه‌های زمینی از حاشیه اقیانوس آرام به سمت آسیای مرکزی می‌ترسد. برای روسیه، گسترش ناتو در شرق اروپا بسیار تهدیدکننده = بوده است (امینی و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۰). چین، به‌عنوان کانون عمده قدرت در شانگهای، با اتخاذ استراتژی همگرایی راهبردی از دهه ۱۹۹۰، تلاش مضاعفی را برای تعدیل قدرت هژمونیک ایالات‌متحده و جلوگیری از تک‌قطبی شدن نظام بین‌الملل، آغاز کرد. چین درصدد برآمد تا با تقویت این سازمان، خلأ قدرتی را که پس از فروپاشی شوروی در آسیای مرکزی ایجاد شده بود و آمریکا تلاش می‌کرد آن را پر کند، با حضور قدرتمند خود جایگزین کند. حضور و نفوذ فزاینده آمریکا در آسیای مرکزی، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر برای چین بسیار ناخوشایند بوده است (حاجی یوسفی و الوند، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

از دید بسیاری از محققان، تأسیس سازمان شانگهای از سه نظر برای چین حائز اهمیت است:

۱- چین با تهدید فعالیت‌های استقلال‌طلبان مسلمانان این کشور در استان سین کیان و همچنین مسئله تروریسم مواجه است و شکل‌گیری سازمان شانگهای می‌تواند تضمینی برای امنیت این کشور باشد. بر این اساس چین و اعضای سازمان شانگهای تلاش کرده‌اند امنیت متقابل خود را در مقابل تروریسم جهانی تضمین کنند.

۲- چین می‌تواند از طریق تأسیس سازمان شانگهای امیدوار به ایجاد یک نظام بین‌الملل چندقطبی باشد.

۳- وجود نفت در آسیای مرکزی برای چین که در حال حاضر به واردات انرژی وابسته است، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (همان: ۱۷۹). با تغییر جایگاه چین در نظام بین‌الملل و اعلام سیاست مبتنی بر خروج یا کاهش حضور از سوی آمریکا در منطقه، پکن در حوزه امنیتی شانگهای تأمین‌کننده امنیت خواهد بود که آمریکا در آینده آن را تأمین نخواهد کرد. به بیانی، چین، سازمان همکاری شانگهای را ابزار مناسبی برای انتخاب رویکرد مصون‌سازی می‌داند تا در آینده با مشکل مبارزه با تروریسم روبه‌رو نشود (آقایی و قهرمانی، ۱۳۹۸: ۳۰۲).

## ۲. کشورهای آسیای مرکزی

دولت‌های آسیای مرکزی برای کسب و تحکیم ثبات از زمان استقلال سیاست غیرتهاجمی و غیر مداخله‌جویانه چین و تمایل روسیه به اعتمادسازی به‌ویژه در امور نظامی را مورد استقبال قرار داده‌اند. جمهوری‌های آسیای مرکزی معتقدند که حضور چین و روسیه در سازمان، افزون بر تأمین امنیت و صلح و ثبات منطقه، سبب از بین بردن زمینه‌های گسترش تروریسم، جدایی‌طلبی، افراط‌گرایی مذهبی به‌ویژه مشکلات امنیتی افغانستان پس



از خروج نیروهای آی‌سی‌اف<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۴ و تقویت پیوندهای دو قدرت به نفع منطقه می‌شود (آقایی و راهدار، ۱۳۹۴: ۲۰۵). بعلاوه کشورهای آسیای مرکزی عضو سازمان همکاری شانگهای، دلایل منحصربه‌فردی برای محدود کردن حضور نظامی امریکا در منطقه دارند. کشورهای منطقه آسیای مرکزی از زمان استقلال تا تشکیل سازمان همکاری شانگهای دوره‌های متفاوتی از شرایط امنیتی را به شرح ذیل پشت سر گذاشته‌اند:

- دوره بی‌نظمی نسبی (۱۹۹۳-۱۹۹۱): به علت فقدان امکانات مادی و ساختارهای امنیتی، نظم امنیتی خاصی بر منطقه حاکم نبود و جامعه کشورهای مشترک‌المنافع<sup>۲</sup> در این دوران شکل گرفت.
- دوره ثبات نسبی (۱۹۹۶-۱۹۹۳): مناطق بحرانی تا حدودی تحت کنترل درآمدند. طرح مشارکت برای صلح ناتو و گروه شانگهای پنج‌ج‌در این دوره شکل گرفتند.
- دوره آغاز دگرگونی (۱۹۹۸-۱۹۹۷): در این دوره برخی از کشورهای منطقه برای خروج از نظام امنیتی کشورهای مشترک‌المنافع اعلام آمادگی نمودند. از سوی دیگر از طریق تشکیل اتحادیه گوام<sup>۳</sup> در سال ۱۹۹۷، شرایط برای افزایش حضور امریکا و ناتو و گسترش همکاری‌های نظامی میان کشورهای منطقه و غرب و از سوی دیگر کاهش اتکا به روسیه مهیاتر شد.
- دوره توازن نسبی (۱۹۹۹-۱۹۹۸): بر اساس شرایط محیطی و مشکلات داخلی کشورهای منطقه رهبران این منطقه به این نتیجه رسیدند که برای تضمین امنیت در آسیای مرکزی حمایت روسیه ضروری است. در همین حال با اوج‌گیری نفوذ طالبان‌بانیسم و تروریسم، امنیت نظامی تبدیل به یک اولویت جدی شد که در نهایت چرخش بیشتر کشورهای منطقه به سمت روسیه را به دنبال داشت. این دوران هم‌زمان با به قدرت رسیدن پوتین در روسیه به‌عنوان نخست‌وزیر بود. بدین ترتیب مشارکت

<sup>1</sup> International Security Assistance Force (ISAF)

<sup>2</sup> Commonwealth of Nations

<sup>3</sup> GUAM

کشورهای آسیای مرکزی در فعالیتهای مربوط برنامه همکاری دوجانبه عملی بین کشورهای شریک اروپایی-آتلانتیک<sup>۱</sup> کاسته شد.

• دوره تشدید رقابتها (۲۰۰۱-۲۰۰۰): بازگشت روسیه به صحنه معادلات منطقه آسیای مرکزی، باعث افزایش رقابت آمریکا و روسیه بر سر کسب موقعیت برتر در آسیای مرکزی شد. سازمان همکاری شانگهای در این دوره شکل می‌گیرد. ازبکستان که از CIS جدا شده بود، به این سازمان پیوست. اتحادیه اقتصادی اوراسیا در این دوره تشکیل و ساختار امنیتی تاشکند هم تجدید گردید.

## ۲. هند

هند همیشه مخالف مداخله یک‌جانبه در امور داخلی کشورهای دیگر به‌جز سازمان ملل بوده است. در این زمینه عضویت کامل در این سازمان برای هند میدانی را فراهم می‌کند که با همکاری سازنده با چین و پاکستان در سطح منطقه‌ای همکاری نماید و منافع امنیتی خود را در منطقه پرآشوب آسیا تأمین نماید. برای مثال اجلاس نهم سازمان همکاری شانگهای در یکاترین‌گبرگ<sup>۲</sup> روسیه فرصتی برای رئیس‌جمهور پاکستان آسف علی زارداری<sup>۳</sup> و نخست‌وزیر هند مانموهان سینگ<sup>۴</sup> فراهم کرد تا در خصوص موضوعات مهم میان دو کشور بحث کنند (قهرمانی و حق‌شناس، ۱۳۹۶:۸۳). بعلاوه، در سازمان همکاری شانگهای دو قدرت اقتصادی در حال ظهور (هند و چین) نیاز شدیدی به واردات انرژی دارند. جریان تجارت انرژی در آب‌های بین‌المللی می‌تواند از سوی قدرت‌های رقیب و به‌ویژه آمریکا تحت کنترل قرار گیرد. عرصه سازمان شانگهای در یک محیط امن می‌تواند تأمین‌کننده امنیت انرژی برای چین و هند باشد (ر.ک امیراحمدیان و حسینی، ۱۳۹۰:۱۲۸).

<sup>1</sup> The Partnership for Peace (PFP)

<sup>2</sup> Yekaterinburg

<sup>3</sup> Asif Ali Zardari

<sup>4</sup> Manmohan Singh

### ۳. ایران

جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه قربانی افراط‌گرایی و تروریسم است و در طول جنگ علیه طالبان در افغانستان ثابت کرد که می‌تواند به‌عنوان یک متحد قابل‌اعتماد علیه افراط‌گرایی طالبانی و تروریسم القاعده باشد و نقش مؤثری در حفظ صلح و ثبات در منطقه آسیای مرکزی به‌ویژه تاجیکستان (با ایفای نقض میانجی بین دولت و احزاب این کشور طی ۱۹۹۶-۱۹۹۲) نشان داده است و از همین رو، حضور جمهوری اسلامی در ائتلاف شانگهای بسیار مؤثر می‌تواند ارزیابی گردد. از طرفی کشورهای آسیای مرکزی نگران مداخله غرب در وقوع انقلاب‌های رنگی بوده است و سیاست مستقل از غرب ایران می‌تواند موجب ثبات منطقه گردد. با این حال چند مانع یا ملاحظه برای عضویت دائمی ایران مطرح است از جمله:

- مخالفت برخی اعضا چون چین برای پیوستن سریع اعضای جدید چراکه چین معتقد به عضویت تدریجی (پذیرش به‌عنوان عضو ناظر، شرکای گفت‌وگو و در آخر عضویت دائم) است.
- برخی اعضا چون ازبکستان تمایل دارند به‌جای پذیرش عضو جدید روابط میان اعضای فعلی بهتر و تقویت شود.
- برخی اعضا چون روسیه از گسترش اعضا به‌شدت استقبال می‌کند. با این حال روابط غرب با روسیه بر عضویت ایران تأثیرگذار بوده است. البته برخی کشورها نگران هستند با عضویت ایران سازمان تحت‌الشعاع تقابل ایران و آمریکا قرار بگیرد (ر.ک صادقی، حسینی، ۱۳۹۶: ۷۴۷-۷۴۵).

### ۴. روسیه

در سطح منطقه‌ای برقراری یک سیستم امنیتی - دفاعی پایدار و قدرتمند در منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان بخشی از منطقه خارج نزدیک، از مهم‌ترین اهداف مسکو در بنیان نهادن و

تقویت مکانیسم سازمان همکاری شانگهای به شمار می‌رود. وجود سیستم‌های سیاسی اقتدارگرا و در حال متزلزل در منطقه آسیای مرکزی شکل‌گیری جریان‌ات ضد روسی در منطقه به‌ویژه جریان موسوم به انقلاب‌های رنگی، درگیری در قرقیزستان، حضور مستقیم نظامی ایالات متحد آمریکا در منطقه پس از اشغال افغانستان، احداث پایگاه‌های نظامی آمریکا در مناس قرقیزستان و خان‌آباد ازبکستان، گسترش فعالیت‌های تروریستی، افراط‌گرایان دینی به‌ویژه القاعده و طالبان در فضای آسیای مرکزی و نیز مسائلی مانند تجارت مواد مخدر، قاچاق اسلحه و انسان از جمله مهم‌ترین چالش‌های امنیتی - دفاعی روسیه در منطقه آسیای مرکزی به شمار می‌روند.

گسترده‌گی چالش‌ها به‌گونه‌ای بوده که روسیه به‌تنهایی قادر به فائق آمدن بر آن‌ها نبوده است. تجربه ناموفق مکانیسم‌های سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی به‌خوبی گویای این امر است که برخی از کشورهای جداشده از شوروی به دلیل ذهنیت تاریخی تمایل نداشتند در سازمانی همکاری کنند که تحت سیطره روسیه باشد از این رو، روسیه کوشید تا در قالب سازمان منطقه‌ای جدید با عنوان سازمان همکاری شانگهای و با حضور قدرت بزرگی مثل چین، بر چالش‌های امنیتی منطقه غلبه کند (واعظی، ۱۳۹۰: ۴۷).

### همکاری‌های امنیتی سازمان شانگهای

با توجه به نقش مناسبات و همکاری‌های منطقه‌ای در تحقق اهداف کشورهای واقع در یک منطقه ایجاد گروه شانگهای پنج از یک سو به منظور تعدیل در مناسبات دو کشور روسیه و چین با بلوک غرب به‌ویژه با آمریکا به‌عنوان شریک اول استراتژیک هر دو کشور و در مرحله دوم تعیین حدود فعالیت هر یک از دو قدرت فوق در منطقه و در نهایت رفع برخی موانع سنتی کشورهای منطقه نظیر؛ اختلافات مرزی، جدایی‌طلبی، افراط‌گرایی و ... مورد توجه قرار گرفت. در مقابل چهار کشور قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان

نیز باهدف تعدیل روابط با روسیه و رفع موانع و مشکلات داخلی و سنتی نظیر اختلافات مرزی، شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی، مبارزه با جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی از پیوستن به این پیمان استقبال کردند. در این میان مناسبات پکن و مسکو عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری گروه شانگهای پنج و تبیین سیاست‌های محوری آن بوده است. این دو کشور پایه‌های اصلی سازمان همکاری شانگهای را تشکیل می‌دهند. در واقع میزان تعامل این دو کشور برای پیشبرد اهداف سازمان از اهمیت بالایی برخوردار است. اگرچه این دو کشور با ظهور نظم جهان تک‌قطبی مخالفت می‌کنند ولی درعین حال فاقد روابط استراتژیک همسو نیز هستند (امیدار نیا، ۱۳۸۰: ۱۷۷).

در شش سال اول عمر سازمان همکاری شانگهای دولت‌های آسیای مرکزی در چندین عملیات ضد تروریسمی تحت عنوان فعالیت‌های امنیت‌سازی و ضد تروریستی سازمان مشارکت داشته است. نخستین عملیات ضد تروریستی مشترک در سال ۲۰۰۳ در چین و قزاقستان برگزار شد که هدف اساسی این عملیات ممانعت از اقدامات جدایی‌طلبانه حکومت خودمختار اویغور در مرز مشترک چین و قزاقستان بود که از قلمرو قزاقستان برای حمله علیه چین استفاده می‌گردد. در عملیات چندجانبه که همه دولت‌های عضو سازمان نیز شرکت داشتند تعهد گسترده دولت‌های کوچک در مبارزه علیه تروریسم را نیز به دنبال داشته است. عملیات ضد تروریستی ۲۰۰۶ در جهت ممانعت از فعالیت‌های تروریستی برای حفظ ثبات در کشورهایی که دارای زیرساخت‌های استراتژیک بودند صورت گرفت. در عملیات آگوست ۲۰۰۷ نیز که در خاک روسیه انجام گرفت کشورهای آسیای میانه حضور داشتند.

| اقدامات سازمان همکاری شانگهای در سال های ۲۰۱۸-۱۹۹۶  |  |               |
|---|--|---------------|
| دعوت برای شرکت در رزمایش مشترک، ممنوعیت رزمایش در مرزهای مشترک و حمله نظامی به یکدیگر، کاهش نیروهای نظامی در مرزها، مبارزه با جرائم سازمان یافته در مناطق مرزی                  | همکاری و حل و فصل مسائل مرزی                               | ۲۰۰۰-<br>۱۹۹۶ |
| توافق نامه مبارزه با تروریسم بین المللی، افراط گرایی دینی و قاچاق مخدر و سلاح   | همکاری های امنیتی و اقتصادی                                | ۲۰۰۴-<br>۲۰۰۱ |
| سرمایه گذاری در نفت و گاز ازبکستان، ایجاد بزرگراه تاجیکستان، سرمایه گذاری بر نیروگاه برقی قزاقستان  | گسترش حوزه فعالیت سازمان شانگهای                           | ۲۰۰۹-<br>۲۰۰۵ |
| تبادل اطاعات و ایجاد زیرساخت های مناسب برای حمل و نقل و امور گمرکی در نقاط مرزی، گسترش ظرفیت حمل و نقل منطقه، دسترسی به بازارهای جهانی، توسعه زیرساخت های اجتماعی، معرفی فناوری | گسترش همکاری های اقتصادی و تأمین امنیت انرژی               | ۲۰۰۹-<br>۲۰۱۸ |
| موضوع هایی همچون توسعه، اینترنت و امنیت اطلاعات، حمل و نقل، تدارکات   | تأکید بر صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی و امنیت اطلاعات | ۲۰۱۹ به بعد   |

منبع: (ر.ک عطایی و زنگنه، ۱۳۹۹: ۱۵۳-۱۵۱)

## مکانیسم‌های امنیتی در سازمان شانگهای

مکانیسم‌های امنیتی در سازمان شانگهای شامل موارد ذیل است:

### ایجاد ساختارهای جمعی

ساختارهای جمعی یک پاسخ منطقی به کشورهای عضو سازمان شانگهای بوده و هدف از آن تأمین نیازهای امنیتی کشورهای آسیای مرکزی است که در جهت حفظ ثبات در منطقه تلاش می‌کند و اهداف ذیل را دنبال می‌کنند:

■ تداوم همکاری در زمینه امنیت و دفاع را در منطقه تضمین می‌کند؛

■ جلوگیری از بحران‌های پس از فروپاشی شوروی مشابه یوگسلاوی؛

■ تعیین سرنوشت از پتانسیل‌های هسته‌ای شوروی

### اتخاذ راهبردهای جدید

راهبرد عبارت است از یک طرح عملیاتی به‌منظور هماهنگی و سازمان‌دهی اقدامات برای دستیابی به هدف. امروزه با توجه به دستیابی به اهداف و چشم‌اندازی که سازمان‌ها و کشورها برای خود ترسیم می‌کنند و همچنین تغییرات و تحولاتی که در محیط پدید آمده است تحلیل استراتژی سازمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است بدین منظور سازمان همکاری شانگهای راهبردهایی را برای خود در نظر گرفته است که به آن اشاره می‌کنیم:

■ همکاری فعال در حوزه امنیت و ثبات منطقه

■ حمایت متقابل در جلوگیری از تهدید به استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی اعضاء

■ مبارزه با جرم‌های منطقه‌ای و فراملی (قاچاق مواد مخدر، جرائم سازمان‌یافته، مهاجرت

غیرقانونی و تروریسم)

■ اقدامات هماهنگ در حوزه استفاده منطقی و دو طرف سودمند از منابع آب و انرژی

■ همکاری در حوزه‌های دیگر منافع متقابل

## برگزاری مانورهای نظامی مشترک

مانورهای نظامی شامل همکاری‌های نظامی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به منظور تأمین امنیت و بالا بردن توان عملیاتی در مقابل تروریسم و افراط‌گرایی است. دولت روسیه در آوریل ۲۰۰۶ اعلام کرد که پیمان همکاری شانگهای قصد ندارد به سازمانی نظامی (مشابه پیمان ناتو یا پیمان ورشوی سابق) تبدیل شود؛ اما وی اذعان کرد که برای مقابله با تهدیدهای روزافزون تروریسم، جدایی‌طلبی و افراطی‌گری ممکن است نیاز به استفاده از نیروهای ارتش کشورهای عضو به وجود آید. در همین راستا کشورهای عضو چندین رزمایش مشترک نظامی به اجرا گذاشته‌اند. اولین مانور نظامی در سال ۲۰۰۳ میلادی طی دو مرحله در قزاقستان و چین به اجرا درآمد. در ماه اوت سال ۲۰۰۵ میلادی رزمایش نظامی بزرگی با شرکت چین و روسیه با نام «مأموریت صلح ۲۰۰۵» به اجرا درآمد. این نخستین رزمایش نظامی مشترک روسیه و چین محسوب می‌شود. در پی موفقیت این رزمایش، مقامات روسی اظهار علاقه کرده‌اند که کشور هند در رزمایش‌های مشترک بعدی حضور داشته باشند و سازمان همکاری شانگهای نقش نظامی نیز در صحنه بین‌المللی ایفا کند. در پی توافق وزیران دفاع کشورهای عضو پیمان در آوریل ۲۰۰۶، رزمایش نظامی کشورهای عضو در سال ۲۰۰۷ با شرکت چهار هزار سرباز ارتش چین در منطقه چلیابینسک<sup>۱</sup> در کشور روسیه در اطراف رشته کوه‌های اورال و مرز جغرافیایی آسیا و اروپا برگزار شد؛ و همین‌طور در سال‌های بعدی فعالیت سازمان همکاری‌های مشترک دیگری نیز شکل گرفت.

## اقدام مشترک در مبارزه با تروریسم

اعضای شانگهای پنج، دو سال قبل از حمله تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا، بررسی کنوانسیون شانگهای در مبارزه علیه تروریسم را شروع کرده بودند که در سال

<sup>1</sup> Chelyabinsk



۲۰۰۱ به تصویب رسید. البته رویکرد سازمان به مسئله تروریسم بسیار گسترده‌تر از رویکرد آمریکا و متحدان آن است. درحالی که آمریکا بر فعالیت‌های نظامی علیه مراکز تروریسم بین‌الملل تأکید کرده و به کشورهای حامی تروریسم حمله می‌کند، اعضای سازمان همکاری شانگهای یک ارتباط مستقیم بین تروریسم از یک‌سو و جدایی‌طلبی و بنیادگرایی از سوی دیگر برقرار می‌کنند. درحالی که اعضای سازمان اقدامات خود را بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ با آمریکا در مبارزه علیه تروریسم هماهنگ کرده‌اند، اما درعین حال می‌توانند بر طبق برنامه‌ها و منافع خود و ایجاد ارتباط بین تروریسم با جدایی‌طلبی و بنیادگرایی، علیه شرهای سه‌گانه نیز به مبارزه پردازند (Lukin, 2007). بر همین اساس و برای پاسخگویی به این ملاحظات، اعضای سازمان یک نیروی واکنش سریع را به‌عنوان یک مرکز ضد تروریسم در بیشکک قرقیزستان ایجاد کردند و ساختار ضد تروریستی منطقه‌ای<sup>۱</sup> را در آوریل ۲۰۰۳ باهدف هماهنگ‌سازی فعالیت‌های اعضاء تأسیس کردند. اعضای سازمان همکاری شانگهای همچنین به دلیل دارا بودن مرزهای مشترک طولانی با یکدیگر (مثلاً روسیه دارای ۷۵۰۰ کیلومتر مرکز مشترک با قزاقستان است که طولانی‌ترین مرز مشترک زمینی در جهان محسوب می‌شود) مانورهای نظامی و امنیتی متعددی با یکدیگر علیه تروریسم برگزار کرده‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۹۹). از جمله، تمرین مشترک چین و قرقیزستان در ۲۰۰۲، تمرین چندجانبه تمام اعضاء به‌جز ازبکستان در ۲۰۰۳ که مرحله اول آن در قزاقستان با حضور نیروهای قرقیزستان، قزاقستان و روسیه و مرحله دوم آن در استان سین‌کیانگ چین با حضور نیروهای چین و قزاقستان برگزار شد. همچنین، برگزاری مانورهای مشترک مأموریت صلح در اوت ۲۰۰۵ و تمرین چندجانبه به میزبانی ازبکستان در ۲۰۰۶ با تأکید بر نقش نیروهای ویژه و مانور مأموریت صلح در آگوست ۲۰۰۷ که از استان خودمختار سین‌کیانگ چین شروع شد و تا بخش چلیابینسک اولباست<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> Regional Anti Terrorism Structure (RATS)

<sup>۲</sup> Chelyabinsk Oblast

روسیه امتداد داشت (Azarkan, 2010, 405). سومین دوره رزمایش مشترک ضد تروریسم سایبری کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با حضور نمایندگان نهادهای ضد تروریسم ۸ عضو اصلی سازمان همکاری شانگهای و نمایندگان کمیته اجرایی نهادهای ضد تروریسم منطقه‌ای در شیان واقع در استان فوجیان چین نیز در سال ۲۰۱۹ برگزار شد (IRNA, 1398). برنامه‌های مشترک ضد تروریستی نیز در محدوده کشورهای عضو سازمان در رابطه با همکاری در زمینه کشف و انسداد کانال‌های نفوذ افرادی که در اقدامات تروریستی فعالیت دارند به امضاء رسیده است (زاهدی انارکی، ۱۳۸۵: ۶۳).

### مبارزه با جدایی‌طلبی

اصل مبارزه با جدایی‌طلبی نیز که یکی از اصول سه‌گانه مهم این سازمان محسوب می‌شود که برای کشورهای عضو از جاذبه زیادی برخوردار است چراکه چین از دهه ۱۹۷۰ با شورش‌های ترکان مسلمان ایغور در استان سین کیانگ در غرب این کشور مواجه است. این در حالی است که ثبات در این استان برای چین اهمیت زیادی دارد. استان سین کیانگ شامل سه حوزه مهم نفتی تورفان، جانگر و تاریم است که تخمین زده می‌شود مقدار زیادی نفت داشته باشد. همچنین تعداد زیادی پایگاه و مرکز آزمایش سلاح‌های هسته‌ای مربوط به ارتش آزادی‌بخش در این استان وجود دارد که در صورتی که منطقه به کنترل ایغورها درآید مورد تهدید قرار خواهد گرفت (طاهری امین، ۱۳۸۱: ۱۰۹). علاوه بر این، چین با استناد به اصل مبارزه با جدایی‌طلبی می‌تواند با جدایی‌تایوان و اعلام استقلال آن به‌عنوان یک مستقل، مخالفت کرده و از دخالت‌های قدرت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا در این قضیه ممانعت به عمل آورد. روسیه نیز مورد مشابهی دارد و با معضل جدایی‌طلبی در چین مواجه است. این در حالی است که حضور مسلمانان رادیکال در دیگر جمهوری‌های خودمختار در قفقاز شمالی نظیر داغستان نیز روبه افزایش است. رهبران روسیه نگران عکس‌العمل‌های زنجیره‌ای در میان مسلمانان این کشور می‌باشند. به‌علاوه خطر شورش‌های مسلمانان در آسیای مرکزی بیشتر خواهد شد. دولت روسیه در آوریل ۲۰۰۶ اعلام کرد که

پیمان همکاری شانگهای قصد ندارد به سازمانی نظامی (مشابه پیمان ناتو یا پیمان ورشوی سابق) تبدیل شود؛ اما وی اذعان کرد که برای مقابله با تهدیدهای روزافزون تروریسم، جدایی طلبی و افراطی گری ممکن است نیاز به استفاده از نیروهای ارتش کشورهای عضو به وجود آید. در همین راستا کشورهای عضو چندین رزمایش مشترک نظامی به اجرا گذاشته‌اند.

اولین مانور نظامی در سال ۲۰۰۳ میلادی طی دو مرحله در قزاقستان و چین به اجرا درآمد. در ماه اوت سال ۲۰۰۵ میلادی رزمایش نظامی بزرگی با شرکت چین و روسیه با نام «مأموریت صلح ۲۰۰۵» به اجرا درآمد. این نخستین رزمایش نظامی مشترک روسیه و چین محسوب می‌شود. در پی موفقیت این رزمایش، مقامات روسی اظهار علاقه کرده‌اند که کشور هند در رزمایش‌های مشترک بعدی حضور داشته باشد و سازمان همکاری شانگهای نقش نظامی نیز در صحنه بین‌المللی ایفا کند. در پی توافق وزیران دفاع کشورهای عضو پیمان در آوریل ۲۰۰۶، رزمایش نظامی کشورهای عضو در سال ۲۰۰۷ با شرکت چهار هزار سرباز ارتش چین در منطقه چلیابینسک در کشور روسیه در اطراف رشته‌کوه‌های اورال و مرز جغرافیایی آسیا و اروپا برگزار شد؛ و همین‌طور در سال‌های بعدی فعالیت سازمان همکاری‌های مشترک دیگری نیز شکل گرفت.

### مبارزه با افراط‌گرایی

یکی از اشتباهات مشهود رهبران شوروی سابق تقابل با عنصر دین و در رأس آن اسلام و محدود کردن فعالیت‌های دینی بوده است. این رفتار زمینه‌های گرایش به اسلام تندرو را در سال‌های پس از فروپاشی شوروی ایجاد کرد. به عبارت دیگر ظهور و گسترده‌گی اسلام افراطی در نتیجه اعمال محدودیت در امور مذهبی مردم و ایجاد یک خلأ ایدئولوژیک در سطح منطقه بوده است. با سقوط شوروی و باز شدن زنجیرهای اسارت ایدئولوژیک، علایق مذهبی مردم به شدت اوج گرفت.

## مبارزه با تجارت مواد مخدر و اسلحه و جنایات سازمان یافته

دومین عامل بی ثباتی در منطقه بعد از شرهای سه گانه مواردی چون تجارت مواد مخدر و اسلحه و جنایات سازمان یافته است. این در حالی است که آسیای مرکزی شاهراه ارتباطی برای صدور مواد مخدر از افغانستان به اروپا و روسیه محسوب می گردد و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نگران منافع و سودهای کلان ناشی از تجارت مواد مخدر به عنوان مهم ترین منبع مالی گروه های مبارز اسلامی در منطقه است. (Azarkan, 2010: 405). به عقیده اعضای سازمان، میزان تولید مواد مخدر بعد از ورود نیروهای ائتلاف مبارزه علیه تروریسم به افغانستان بیشتر شده است و دولتمردان کابل و نیروهای حامی آنها یا تمایلی برای حل این معضل ندارند یا اینکه توانایی تغییر این شرایط را ندارند. از این رو افزایش جریان انتقال مواد مخدر از افغانستان به کشورهای همسایه، تهدیدات جدیدی علیه امنیت آنها مطرح ساخته است. بر این اساس، اعضای یک موافقت نامه همکاری برای مقابله با تجارت غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان گردان در سال ۲۰۰۴ امضا کردند (Lukin, 2007). در سال ۲۰۱۷، از طرف سازمان های بین المللی توجه بیشتری به سمت افغانستان صورت خواهد گرفت. ناامنی و حملات تروریستی در این کشور ادامه خواهد داشت؛ بنابراین، تحکیم قدرت و توانایی دولت افغانستان برای مقابله با گروه های تروریستی از جمله طالبان و داعش و همچنین مقابله با کشت و قاچاق مواد مخدر در وضعیت کنونی برای جامعه بین الملل و کشورهای منطقه بسیار مهم است. افزایش فعالیت های تروریستی و در نتیجه افزایش استفاده از زور، مداخله کنندگان مهم خارجی را به انجام اقدامات فعال تر باهدف حل اوضاع افغانستان، ترغیب می نماید.

## ارتقای ضریب امنیتی کشورهای آسیای مرکزی

اختلافات مرزی معمولاً مشکل‌ترین مسئله میان دو یا چند کشور است. طی تاریخ، اختلافات مرزی به درگیری نظامی و حتی جنگ میان کشورها منجر شده است. در خلال جنگ سرد، همین اختلافات موجب بروز درگیری مسلحانه میان چین و شوروی در ۴۶۰۰ مایل خطوط مرزی دو کشور در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شد. در اواسط دهه ۱۹۸۰ به موازات بهبود روابط پکن و مسکو، دو طرف گفتگوی جدی را برای حل اختلافات مرزی شروع کردند که این مذاکرات با دیدار گورباچف در ۱۹۸۹ از چین به اوج خود رسید. با این وجود تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مسائل مرزی کماکان لاینحل باقی ماندند. بسیاری از ساکنان چین و آسیای مرکزی تمایلی به مصالحه بر سر مرزهای کشورشان نداشتند ولی به‌رغم این زمینه منفی، چین و کشورهای آسیای مرکزی با جسارت گفتگوهای مرزی را تا حل دائمی آن ادامه دادند. (شفیعی، ۱۳۸۵: ۵۹) در نتیجه توافقاتی‌هایی که طی سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ بین چین و روسیه منعقد گردید، خطوط مرزی بین دو کشور تنظیم گردید. در ادامه روند فوق، سه کشور تازه استقلال یافته هم‌مرز با چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در مذاکرات مرزی بین چین و روسیه شرکت کردند و سرانجام در ۲۶ آوریل سال ۱۹۹۶ و در شهر شانگهای چین پنج کشور مذکور توافقاتی‌ای را تحت عنوان توافقاتی‌نامه اعتمادسازی در مناطق مرزی و باهدف تقویت اعتماد متقابل و خلع سلاح در طول مرزهای طولانی یکدیگر به امضاء رساندند و گروه شانگهای پنج را تأسیس کردند. بر اساس موافقت‌نامه ۱۹۹۶ با عنوان "توافقاتی‌نامه شانگهای در مورد افزایش اعتماد نظامی در مناطق مرزی"، اعضای متعهد شدند که از حمله یا درگیری در مناطق مرزی خودداری کنند، از مانورهای نظامی که تهدیدی علیه یکدیگر باشد احتراز کنند، حجم و گستردگی و تعداد دروس آموزش‌های نظامی را کاهش دهند، یکدیگر را از عملیات نظامی که قصد دارند تا یک صد کیلومتری مرزهای مشترک به انجام برسانند، قبلاً آگاه سازند و از مقامات نظامی همسایگان برای نظارت دعوت کنند (Tao, 2002) بر

اساس مکانیسم شانگهای پنج، چین یک موافقت‌نامه مرزی با قرقیزستان در جولای ۱۹۹۶ امضاء کرد که باعث حل و فصل مسائل مرزی دو کشور در طول ۸۵۸ کیلومتر مرز مشترک گردید (Azakan, 2010, 398). در سال ۱۹۹۷ در اجلاس سران در مسکو دو سند دیگر باهدف ارتقای سطح امنیت نظامی و کاهش نیروی نظامی در مناطق مرزی امضاء به امضاء رسید. در سال ۱۹۹۷ سند توافق دوجانبه کاهش نیروی نظامی مرزی در اجلاس سران اعضای شانگهای ۵ امضاء شد و علاوه بر تأکید روی مسائل امنیتی و حل اختلافات مرزی در سال‌های بعد تا ۲۰۰۰ اعضا به این نتیجه رسیدند که برای رسیدن به امنیت و صلح در منطقه باید همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی خود را افزایش دهند چراکه ریشه بسیاری از ناامنی‌ها و قوم‌گرایی‌ها در فقر و پایین بودن سطح زندگی است. در ژوئن ۲۰۰۱ با پیوستن ازبکستان مسائل جدید امنیتی در جهت مبارزه با تروریسم و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در منطقه از طریق سازمان شانگهای صورت گرفت (وثوقی و خانی، ۱۳۹۱: ۹۰).

### **تقابل با پیمان ناتو و ماجراجویی‌های نظامی ایالات متحده آمریکا**

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی عدم توازن در امور جهانی به وجود آمده است به گونه‌ای که هیچ وزنه تعادلی در مقابل تنها ابرقدرت جهانی یعنی ایالات متحده وجود ندارد؛ بنابراین این کشور یک‌جانبه‌گرایی خود را در هر کجا و هر کاری که مایل باشد از جمله اعمال زور در نیل به اهداف قانونی و غیرقانونی خود به کار می‌برد. این عامل نیاز به نوعی وزنه تعادل در مقابل تنها ابرقدرت یک‌جانبه‌گرا را افزایش می‌دهد و سازمان همکاری شانگهای در حالی که نه ادعا دارد که یک بلوک نظامی است و نه هیچ کشوری را مورد هدف قرار می‌دهد، نماینده یک مرجع قدرتمند در امور جهانی بوده و می‌تواند حداقل به‌عنوان یک وزنه تعادل در منطقه، توازن برقرار کند (رحمان، ۱۳۸۵: ۱۲۷). در همین راستا برخی صاحب‌نظران معتقدند به‌رغم این که در بیانیه تأسیس سازمان همکاری شانگهای صادره در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۱ بر این نکته تصریح شده است که سازمان مذکور اتحادیه‌ای علیه کشور یا منطقه دیگری نیست، اما دلایل آشکاری وجود دارد که نشان

می‌دهد سازمان همکاری شانگهای به‌طور روزافزونی در تقابل با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و گسترش حضور و نفوذ آن در آسیای مرکزی قرار می‌گیرد.

در بیانیه پایانی اجلاس سران کشورهای عضو گروه شانگهای پنج که در دوشنبه تاجیکستان در سال ۲۰۰۰ میلادی برگزار شد، بر مخالفت با هژمونی غرب و شکل‌گیری جهانی چندقطبی تأکید به عمل آمد و حمایت کشورهای عضو این گروه از اولویت بخشیدن بر جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد و مخالفت آن‌ها با اصل مداخله بشردوستانه اعلام گردید. دلیل اصلی این واکنش جنگ ناتو در یوگسلاوی بدون تصویب شورای امنیت بود (انارکی، ۱۳۸۵: ۱۴۳). در واقع چین و روسیه که از پایه‌گذاران اصلی سازمان همکاری شانگهای محسوب می‌شوند و درصددند تا از طریق این سازمان، خلأ قدرتی را که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آسیای مرکزی ایجاد شده بود و آمریکا تلاش می‌کرد تا آن را پر کند با حضور قدرتمند خود جایگزین کنند. به بیان دیگر، یک نظم نوین آسیایی مدنظر چین و روسیه است که در آن، جایی برای حضور و نفوذ آمریکا و دموکراسی و حقوق بشر و ارزش‌های آمریکایی وجود ندارد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۱۴). بر همین اساس در بیانیه اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در ژوئن ۲۰۰۲ میلادی این کشورها نارضایتی خود را از کاربرد استانداردهای دوگانه در مسئله حقوق بشر، دخالت در امور داخلی سایر کشورها به بهانه دفاع از حقوق بشر اعلام کردند. در ملاقات سران دو کشور در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی در مسکو، ولادیمیر پوتین و هوجین تائو روسای جمهور وقت روسیه و چین بیانیه مشترکی را تحت عنوان "نظم جهانی در قرن بیست و یکم" منتشر کردند که در آن به قدرت‌های خارجی به خاطر تلاش برای اعمال سلطه بر روندهای جهانی هشدار دادند و مخالفت خود را با اقداماتی در خصوص تحمیل مدل‌های توسعه اجتماعی و سیاسی از خارج اعلام نمودند. همچنین دو طرف مجدداً خواسته مشترک خویش را مبنی بر شکل‌گیری جهانی چندقطبی مورد تأکید قرار دادند. تحلیلگران این بیانیه را هشدار آشکار به آمریکا و یک‌جانبه‌گرایی آن دانسته‌اند (Blank, 2006).

در ادامه روند اتخاذ مواضع تند اعضا سازمان همکاری شانگهای علیه آمریکا در پایان اجلاس سران کشورهای عضو در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی در آستانه پایتخت قزاقستان اعضای این سازمان در بیانیه نهایی خود از ایالات متحده آمریکا خواستند به دلیل کاهش منازعات در افغانستان، جدول زمانی خروج نیروهای خویش را از پایگاه‌های نظامی خود در کشورهای عضو تنظیم و ارائه کند. در همین راستا دولت ازبکستان اعلام کرد که پایگاه هوایی امریکا در خان‌آباد، نباید در جهت اهداف دیگری غیر از حمایت از عملیات جنگی آمریکا در افغانستان مورد استفاده قرار بگیرد و پایگاه هوایی کارشی - خان‌آباد واقع در مرز ازبکستان و پاکستان باید ظرف شش ماه برچیده شود. وزیر دفاع روسیه نیز پیش‌تر در همین جهت اظهار داشت که روسیه حضور پایگاه‌های نظامی ناتو را در ازبکستان و قرقیزستان صرفاً برای مدت‌زمان لازم به‌منظور جنگ با تروریسم در افغانستان می‌پذیرد و نه برای زمانی بیشتر. این امر آشکارا حاکی از این بود که روسیه، چین و جمهوری‌های آسیای مرکزی مایل‌اند در کنار هم و در چارچوب سازمان همکاری شانگهای مسئولیت امنیت منطقه را بر عهده گیرند. اوج موضع‌گیری ضد آمریکایی در بیانیه پایانی اجلاس سران در سال ۲۰۰۶ قابل مشاهده است. در این بیانیه آمده است که کشورهای آسیای مرکزی، می‌بایست راه‌های توسعه را بر اساس نیازها و منافع خود برگزینند. تنوع تمدنی و مدل‌های توسعه می‌بایست مورد توجه و حمایت قرار گیرد. تفاوت‌ها در سنت‌های فرهنگی، نظام‌های سیاسی و اجتماعی، ارزش‌ها و نیز مدل‌های شکل گرفته در طول تاریخ نباید بهانه‌ای برای دخالت در امور داخلی دیگر کشورها تلقی گردد. سازمان همکاری شانگهای مشارکتی سازنده در برقراری ساختار امنیتی جدید جهانی بر مبنای اعتماد متقابل، منافع، مساوات و احترام متقابل خواهد داشت. تعیین روش‌ها و مکانیسم‌های تضمین امنیت منطقه، حق و مسئولیتی است که صرفاً به کشورهای منطقه مربوط



می‌شود. مشخصه اصلی اجلاس ۲۰۰۶ تحکیم ابعاد امنیتی بود و اعلامیه امضاء شده روندی به سوی تقویت منافع امنیتی را نشان می‌دهد و بیان شد که تعیین ابزارهای خاص برای حفظ امنیت کامل منطقه، حق و مسئولیت کشورهای منطقه است و سازمان همکاری شانگهای کمک سازنده‌ای به ایجاد معماری جدید امنیت جهانی خواهد کرد (دویودی، ۱۳۸۵: ۱۴۶). در بحث مخالفت اعضای سازمان با حضور و نفوذ آمریکا در منطقه باید به این نکته اساسی توجه کرد که رویکرد و دلیل مخالفت کشورهای عضو با نفوذ آمریکا در منطقه یکسان نیست. در حالی که دو کشور قدرتمند سازمان (روسیه و چین) نفس حضور و نفوذ آمریکا را تهدیدی استراتژیک برای خود محسوب می‌کنند و معتقدند این امر باعث محدود شدن فضای استراتژیک و حوزه نفوذ آن‌ها می‌شود، چهار کشور کوچک‌تر سازمان (ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان)، اگرچه به دنبال ایجاد توازن بین آمریکا و محور روسیه-چین هستند ولی به دو دلیل با حضور و نفوذ آمریکا مخالفت می‌کنند: ۱) وابستگی اقتصادی، سیاسی و امنیتی این کشورها به روسیه که در اکثر موارد باعث پیروی آن‌ها از سیاست‌های مسکو می‌شود. ۲) نگرانی از دخالت آمریکا در تغییر رژیم‌های منطقه<sup>۱</sup> و جایگزینی آن‌ها با رژیم‌های طرفدار غرب؛ بنابراین، چین و روسیه به‌رغم همکاری با آمریکا در مبارزه علیه تروریسم، نگران نفوذ و احتمال حضور دائمی این کشور در منطقه هستند. روسیه تمایل دائمی برای بازیابی نفوذ خود در منطقه دارد و آسیای مرکزی را به‌عنوان منطقه حائل در طول مرزهای جنوبی خود قلمداد می‌کند و بر اساس یک استراتژی دفاع در جلو بر این باور است که دفاع از مرزهای روسیه از مرزهای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع آغاز می‌گردد (شفیعی و محمودی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). از این رو سعی می‌کند با تحکیم پیوندهای اقتصادی و نظامی با این کشورها با گسترش ناتو به

---

<sup>۱</sup>Regime Change

شرق مقابله کند. چین نیز از گسترش حضور و نفوذ آمریکا در امتداد مرزهای خود نگران بوده و از این واژه دارد که در محاصره استراتژیک آمریکا قرار گیرد. (Snyder, 2008: 17). با این وجود دو کشور نسبت به حضور پایگاه‌های آمریکا و ناتو در منطقه و جنگ علیه تروریسم اعلام رضایت نموده‌اند؛ چرا که هیچ‌یک از دو کشور توان بر عهده گرفتن این وظیفه را به تنهایی نداشتند. یکی از کارشناسان سیاست خارجی چین معتقد است: حضور و نفوذ آمریکا در منطقه، اتحاد و همکاری چین و روسیه را تضمین می‌کند و کشورهای منطقه هیچ‌یک به طور کامل ارزش‌های آمریکایی را نخواهند پذیرفت؛ اما از سوی دیگر، آمریکا برای موفقیت خود در جنگ علیه تروریسم، نیازمند حمایت روسیه و چین و همچنین سازمان همکاری شانگهای است (Oldberg, 2007: 30). با توجه به دلایل مطرح شده، می‌توان به برخی از مواضع سازمان که در جهت خلاف منافع آمریکا طرح و تفسیر می‌شود، صحنه گذاشت. البته باید اذعان نمود، سازمان همکاری شانگهای به یک اتحادیه ضد آمریکایی صریح تبدیل نخواهد شد؛ زیرا اعضای آن در حال حاضر تمایل و قدرت تقابل و رویارویی مستقیم با آمریکا را ندارند. به دیگر سخن به عقیده تحلیل‌گران از نظر دیپلماتیک برای چین یا روسیه مصلحت نیست که در قالب سازمان شانگهای بخواهند درگیر یک برنامه سیاسی به وضوح آمریکایی شوند (White, 2005: 29).

در مقابل اظهارات اعضای سازمان همکاری شانگهای در خصوص سیاست‌های ایالات متحده، آگاهی از نقطه نظرات آمریکایی‌ها در قبال این سازمان نیز مسئله‌ای قابل تأمل است. از منظر آمریکایی‌ها، سازمان همکاری شانگهای متشکل از اعضای با حکومت‌های اقتدارگر است که تحت رهبری و کنترل دو قدرت اتمی یعنی چین و روسیه قرار دارد. قدرت این سازمان که یک چهارم جمعیت جهان را

در بر گرفته- به خصوص با گسترش احساسات ضد آمریکایی در منطقه- زنگ‌های خطر را برای آمریکا به صدا در آورده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

### مدیریت ناامنی و بی‌ثباتی داخلی

سومین نگرانی امنیتی مشترک در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای، متغیر ناامنی و بی‌ثباتی‌های داخلی به‌ویژه بحث وقوع انقلاب‌های رنگی در کشورهای منطقه است. به‌زعم شلیندوف<sup>۱</sup>، یکی از دغدغه‌های مهم امنیتی اعضاء سازمان، مسئله ثبات حکومت‌ها و حفظ سیستم سیاسی در مقابل جریان انقلاب‌های مخملی ملهم از حمایت‌ها و ارزش‌های مدنظر ایالات متحده آمریکا است (Amberosio, 2008: 1322). نگرانی از این امر با وقوع انقلاب مخملی گرجستان در نوامبر ۲۰۰۳، انقلاب نارنجی اوکراین در دسامبر ۲۰۰۴، انقلاب لاله‌ای قرقیزستان در مارس ۲۰۰۵ و حوادث اندیجان در همان سال تشدید شد (شفیعی و محمودی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). به دنبال این حوادث دولتمردان کشورهای آسیای مرکزی متقاعد شدند که آمریکا به دنبال تأسیس رژیم‌های طرفدار غرب به‌جای رژیم‌های اقتدارگرای منطقه است؛ لذا پیگیری سیاست خارجی چندوجهی، رویکردی غیرواقعی گرایانه ارزیابی گردید. چراکه نگرانی ناشی از تأثیر دومینوی انقلاب‌های رنگی در منطقه آسیای مرکزی، زنگ خطر را برای رهبران جمهوری‌های آسیای مرکزی در مورد برنامه دموکراتیک قدرت‌های غربی در منطقه به صدا در آورده بود (دویودی، ۱۳۸۵: ۱۴۲). از آنجایی که هیچ‌یک از این کشورها به‌تنهایی قادر به مقابله با ایالات متحده و متحدان آن نبودند، لذا به سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان مکانیسم مناسبی برای نیل به این هدف نگریسته و تحکیم روابط با مسکو و پکن از طریق همین سازمان را بیش‌ازپیش مورد توجه قرار دادند.

---

<sup>۱</sup>. Shlyndov

از دید رهبران کشورهای آسیای مرکزی، سازمان همکاری شانگهای چهار هدف مهم را برآورده می‌کند:

- ۱) علاوه بر ایجاد توازن بین دو همسایه قدرتمند و مؤثر یعنی روسیه و چین، باعث محدود شدن جاه‌طلبی‌های ازبکستان برای کسب هژمونی منطقه‌ای است،
- ۲) عاملی برای حفظ ثبات و امنیت منطقه است،
- ۳) باعث گسترش همکاری‌ها میان اعضاء شده است،
- ۴) حمایت از رژیم‌های سیاسی منطقه را بر عهده می‌گیرد.

در راستای همین هدف، سازمان همکاری شانگهای همواره بر روی اصل عدم‌مداخله در امور داخلی دولت‌ها تأکید می‌کند (Azarkan, 2010:403). به‌عنوان مثال در بیانیه تأسیس سازمان، بیانیه ۲۰۰۳ مسکو، بیانیه سران در اجلاس ۲۰۰۵ با تأکید بر احترام به حق کشورها برای انتخاب مسیرهای توسعه خود، به ممنوعیت مداخله در امور داخلی یکدیگر و عدم تعهد به گسترش دموکراسی - با تفسیر غربی - تأکید شده است که به دولت‌ها امتیاز ویژه‌ای جهت تنظیم سیاست‌های داخلی و دفاع از سیستم سیاسی می‌دهد. سازمان همکاری شانگهای به موازات اتخاذ سیاست‌هایی توسط کشورهای منطقه مبنی بر حفاظت از قدرت سیاسی آن‌ها به‌طور فزاینده استفاده از همکاری‌های چندجانبه جهت مقابله با تمایلات دموکراسی خواهانه منطقه‌ای یا جهانی را مطرح نموده است (Amberosio, 2008:1322).

## نتیجه گیری

پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی و دورنمای مبهم نظام جدید بین‌المللی، اتخاذ تصمیم و ایجاد مکانیسم‌هایی جهت تدوین قواعدی جدید و شکل دادن به نظام بین‌المللی به منظور کسب حداکثر منافع را ضروری ساخت. در این میان، تکوین سازمان همکاری شانگهای مهم‌ترین سازوکار ایجاد توازن در منافع کشورهای عضو آن بود که همه آن‌ها را در مقابل تهدیدات مشترک حفظ و برای ایجاد صلح و توسعه همکاری‌ها در منطقه ترغیب نمود. بنیان سازمان همکاری شانگهای به اتفاق آراء معتقدند که ایجاد و توسعه این سازمان به منظور تأمین نیازهای مردم منطقه و تمایل آن‌ها به صلح و بهبود شرایط پس از جنگ سرد است. این سازمان پس از تأسیس با توجه به مسائل و اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر صلح و ثبات منطقه‌ای، مسائل مرزی اعضاء، تروریسم تکامل و رشد داشته است. سازمان همکاری شانگهای توانست با حذف گزینه جنگ از روابط میان اعضاء نوعی از جامعه امن را در میان آن‌ها به وجود آورد. با تمرکز سازمان بر نگرانی‌های امنیتی مشترک اعضاء مانند مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گویی، تجارت مواد مخدر و اسلحه و جنایات سازمان‌یافته، نگرانی از ناامنی و بی‌ثباتی‌های داخلی و به‌ویژه وقوع انقلاب‌های رنگی در کشورها و تقابل بانفوذ و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا این جامعه امن بیش‌ازپیش تحکیم و تقویت گردید. سازمان همکاری‌های شانگهای دارای نیروهای عظیم بالقوه است که با مرور زمان می‌تواند تبدیل به بالفعل شود و همچنین احساس ترس مشترکی که بین اعضا آن نسبت به غرب وجود دارد می‌تواند روند را به سمت حرکت به این مهم تسریع بخشد و حداقل تبدیل به قدرتمندترین سازمان منطقه‌ای آسیا شود.

## منابع

- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۸۵)، سازمان همکاری شانگهای: اهمیت ژئواستراتژیک، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۵.
- امیدوار نیا، محمدجواد (۱۳۸۰)، ریشه‌های دگرگونی در اتحاد جماهیر شوروی، با نگاه مقایسه‌ای به چین، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- امیر احمدیان، بهرام؛ حسینی، میر عبدالله (۱۳۹۰)، مطالعه جایگاه ژئوپلیتیک سازمان همکاری شانگهای در جهان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۷، شماره ۳
- امینی، آرمین؛ موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۲)، منطقه‌گرایی نوین و تهدید منافع امریکا در آسیای مرکزی، فصلنامه راهبرد، زمستان ۱۳۹۲، سال ۲۲، شماره ۶۹، صص ۱۴۰-۱۱۵
- آقایی، داوود؛ حسین، راهدار (۱۳۹۴)، نقش سازمان همکاری شانگهای در برقراری نظم مبتنی بر موازنه قدرت در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، دوره ۸، شماره ۲، صص ۲۱۰-۱۹۳
- آقایی، سید داوود؛ قهرمانی، محمدجواد (۱۳۹۸)، رویکرد چین به سازمان همکاری شانگهای در پرتو سیاست خارجی نوین این کشور (سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸)، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۲۱۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۰۷-۲۹۱
- بزرگی وحید؛ حسینی، میر عبدالله (۱۳۸۹)، سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم‌انداز آینده، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۳، شماره ۷
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، الوند، مرضیه سادات (۱۳۸۷)، ایران و سازمان همکاری شانگهای؛ هژمونی و ضد هژمونی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره دوم.
- دوپودی، راماکانت (۱۳۸۵)، سازمان همکاری شانگهای: تقویت مشارکت برای همکاری منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم دوره چهارم، شماره ۵۵.
- رستمی، فرزاد؛ صالحی کرتویچی، مجتبی (۱۳۹۵)، راهبرد امنیتی امریکا و گرایش ایران به شانگهای، فصلنامه روابط خارجی، پاییز ۱۳۹۵، شماره ۳۱، صص ۸۴-۵۵
- زاهدی انارکی، مجتبی (۱۳۸۵)، سازمان همکاری شانگهای از تئوری تا عمل، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۵.

شفیعی، نوذر (۱۳۸۵)، سازمان همکاری شانگهای و نسل سوم منطقه‌گرایی در آسیا، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهاردهم، شماره ۵۳.

شفیعی، نوذر و زهرا محمودی (۱۳۸۶)، رویکرد روسیه پوتین در قبال گسترش ناتو به شرق، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۹

عطایی، فرهاد؛ زنگنه، سمیه (۱۳۹۹)، تحول اولویت در سازمان همکاری شانگهای از زمان تأسیس تا ۲۰۱۹، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۶۰-۱۴۳

قهرمانی، محمدجواد؛ حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۶)، دیپلماسی نوین هند و نگرش این کشور به سازمان همکاری شانگهای، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، صص ۸۷-۶۹

کریمی پور، یدالله و حیدری، محمد (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک کرانه‌های دریایی ایران از دیدگاه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، تهران: دانشگاه تربیت‌معلم تهران، چاپ اول.

کوشکی، محمدصادق؛ حسینی، سید محمود (۱۳۹۶)، فرصت‌ها و چالش‌های عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان شانگهای، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۷۵۲-۷۳۷  
مرادی، فتح‌الله (۱۳۸۷)، سازمان همکاری شانگهای: قدرتی توازن‌بخش، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲

واعظی، محمود (۱۳۹۰)، روند تکامل سازمان همکاری شانگهای: اهداف و منافع بنیان‌گذاران، فصلنامه پژوهش‌نامه سیاست خارجی، شماره ۳۰، صص ۶۰-۱۷

وثوقی، سعید؛ خانی، فاطمه (۱۳۹۱)، بررسی میزان همگرایی میزان همگرایی کشورهای عضو سازمان شانگهای در زمینه مبارزه با تروریسم و تأثیر آن بر امنیت کشور تاجیکستان (۲۰۰۱-۲۰۱۲)، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۵، صص ۱۱۷-۸۴

## منابع لاتین

- Ambrosio, Thomas(2008), "Catching the Shanghai Spirit: How the Shanghai Cooperation Organization Promotes Authoritarian Norms in Central Asia". EUROPE-ASIA STUDIES.60(8)
- Azarkan, Ezeli(2010). "The Interests of the Central Asian States and the Shanghai Cooperation Organization". Ege Academic Review.10(1)
- BBC. (2020, NOV 10). BBC. Retrieved from  
اولین نشست آنلاین رهبران سازمان شانگهای؛ روحانی و غنی چه گفتند؟ قابل دسترس در:  
<https://www.bbc.com/persian/world-54890439>
- IRNA. (1398, آذر 22). Retrieved from  
رزمایش مشترک ضد تروریسم سازمان همکاری شانگهای برگزار شد قابل دسترس در:  
<https://www.irna.ir/news/83592014>
- Lukin,Alexander. (2007), "The Shanghai Cooperation Organization: What Next?" Russian in Global Affairs.No.2 available at:  
<http://eng.globalaffairs.ru/numbers/20/1135.html>
- Oldberg,Ingmar(2007), "The Shanghai Cooperation Organization: Power house or Paper Tiger?" Its Available at:  
<http://www.foi.se/rapp/foir2301.pdf>.
- Snyder, Michael (2008), "The Shanghai Cooperation Organization". available at: <http://sjeaa.stanford.edu/journal81/CE2.pdf>
- Tao, Xu (2002), "Promoting Shanghai Five Spirit for Regional Cooperation", Contemporary International Relations.
- White, Alexander(2005), "Guiding the Near Abroad- Russia and the Shanghai Cooperation Organization", CEF Quarterly: the Journal of the China-Eurasia Forum, special edition.